

نیلوفر مبصر  
عضو هیئت علمی گروه زبان آلمانی، دانشگاه تهران  
کارشناس ارشد آموزش زبان آلمانی  
mobasser@ut.ac.ir

# مفعول در زبان آلمانی و دشواری‌های یادگیری آن برای فارسی‌زبانان

## Abstract

Objekte zählen zu den komplexen Grammatikpensen der deutschen Sprache und stellen daher für die meisten iranischen Deutschlernenden einen Problemkreis dar. Vor allem der Vergleich zwischen Grundsprache und Zielsprache, welche die Lerner intuitiv anstellen, spielt in der Entstehung von Fehlern eine maßgebliche Rolle. In der vorliegenden Arbeit werden neben einer terminologischen Behandlung des Begriffs *Objekt*, Ähnlichkeiten und Differenzen zwischen der deutschen und persischen Sprache in Bezug auf Objekte thematisiert, um in Anlehnung daran Problembereiche abzugrenzen und mögliche Therapiemaßnahmen anzuführen.

**Schlüsselwörter:** *deutsche Sprache, persische Sprache, Objekt, Fehleranalyse, Fehlerursachen, Therapiemaßnahmen*

## چکیده

مقوله‌ی مفعول در زبان آلمانی دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و اغلب زبان‌آموزان در به‌کارگیری مفعول و انواع آن در زبان آلمانی دچار مشکل و اشتباه می‌شوند. پاره‌ای از این اشکالات هنگامی رخ می‌دهند که زبان‌آموزان در ذهن خود، خواسته یا ناخواسته، دست به مقایسه می‌زنند و با توجه به «ظرفیت افعال» زبان فارسی، در مورد افعال آلمانی تصمیم می‌گیرند. نوشته‌ی حاضر، مفعول در زبان‌های فارسی و آلمانی را بررسی می‌کند و ضمن اشاره به شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مشکلات زبان‌آموزان را در به‌کارگیری مفعول نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: زبان آلمانی، زبان فارسی، مفعول، تجزیه و تحلیل خطا، عوامل خطا، راهکارها.

بر اساس کتاب‌های دستور نویسان سنتی، مفعول به دو گروه عمده‌ی «مفعول بی واسطه» یا «مفعول صریح» و «مفعول با واسطه» یا «مفعول غیر صریح» تقسیم می‌شود [قریب، ۱۳۷۳: ۴۴]. اما دستور نویسان متأخر، به این تقسیم‌بندی قائل نیستند. آن‌چه در زبان فارسی امروز مفعول نامیده می‌شود، در اصل همان گروه اول، یعنی مفعول بی واسطه یا صریح است که وجود حرف نشانه‌ی «را» بعد از آن، علامت مشخصه‌ی آن است [انوری (الف)، ۱۳۷۹: ۹۲] و آن‌چه سابق بر این، مفعول با واسطه یا غیر صریح نامیده می‌شد، در کتاب‌های دستور جدید «متمم» خوانده می‌شود. متمم یا متمم فعل، اسم یا کلمه‌ای است که همراه یکی از حروف اضافه به جمله می‌پیوندد و توضیحی به مفهوم فعل می‌افزاید. برای مثال، کلمات «اتومبیل»، «خانه» و «دانشگاه» در جمله‌ی «منصوره با اتومبیل از خانه به دانشگاه رفت»، متمم فعل محسوب می‌شوند.

متمم با مفعول از چند جهت تفاوت دارد: اول آن‌که مفعول، مختص فعل‌های متعدی است، اما هر فعلی چه لازم و چه متعدی، ممکن است دارای متمم باشد: «بابک از خانه به دانشگاه آمد» (فعل لازم)؛ «امین نقاشی‌اش را از خانه به دانشگاه آورد» (فعل متعدی). تفاوت دیگر مفعول با متمم فعل آن است که فعل متعدی برای تمام شدن معنی محتاج مفعول است و بدون آن، معنی جمله ناقص است. اما فعل چه لازم باشد و چه متعدی، برای تمام شدن معنی، محتاج متمم نیست. متمم یک معنی اضافی به جمله می‌بخشد. این معنی اضافی گاهی زمان وقوع فعل است، گاهی مکان، گاهی غرض و منظور، گاهی ابزار و وسیله و گاهی چگونگی [خانلری، ۱۳۶۴: ۸۲-۸۱].

غالباً گفته می‌شود که وجود متمم تنها یک معنی اضافه به جمله می‌بخشد. اما جمله‌ی «کتاب به معلم تعلق دارد»؛ بدون «به معلم» که طبق تعاریف موجود، قاعداً باید متمم فعل مرکب «تعلق داشتن» محسوب شود، فاقد معنی است. یا متمم‌های «به مدرسه» و «به مسجد» در جملات «علی به مدرسه می‌رود» و «علی کتاب را به مسجد می‌دهد»، اگرچه ظاهری مشابه دارند، اما از نظر نقشی که در جمله ایفا می‌کنند، با یکدیگر متفاوتند. در جمله اول، معنی فعل «رفتن» بدون متمم «به مدرسه» نیز کامل است، اما معنی جمله‌ی دوم، بدون متمم «به مسجد» کامل نیست. به عبارت دیگر، عملی که فعل «دادن» بیان‌کننده‌ی آن است - آن‌چنان‌که در توصیف افعال متعدی آمده است - از فاعل به مفعول گذر می‌کند، ولی از آن نیز عبور می‌کند و به متمم (به مسجد) می‌رسد. یعنی «کتاب» و «مسجد» به نوعی در عمل «دادن» سهیم هستند، ولی این موضوع در مورد «مدرسه» صدق نمی‌کند. پس نقش برخی از متمم‌ها مشابه نقش مفعول است.

### مفعول در زبان آلمانی

تعریف مفعول در زبان آلمانی و زبان فارسی با یکدیگر مشابهت دارد. عملی که فعل بیان‌کننده‌ی آن است، در مورد مفعول اعمال

مفعول و انواع آن در زبان آلمانی، به سبب ویژگی‌های خاص خود و تفاوت‌های عمده‌ای که با مفعول در زبان فارسی دارد، حاوی نکات قابل توجهی است که آگاهی از آن‌ها برای هر شخصی که با آموزش زبان آلمانی سروکار دارد، ضروری می‌نماید. گرچه به هنگام آموزش مفعول، غالباً از مقایسه پرهیز می‌شود، اما این مقایسه به طور ناخودآگاه در ذهن زبان‌آموزان صورت می‌پذیرد.

برای یافتن علل بروز مشکلاتی که فارسی‌زبانان به هنگام یادگیری این مبحث با آن مواجه می‌شوند و برای آن‌که با تجزیه و تحلیل خطاهای آنان - که عمدتاً بر اثر استنتاج‌های غلطی رخ می‌دهد که از همین مقایسه ناشی می‌شود - مسیرهای ذهنی نادرست، شناسایی و برای از بین بردن آن‌ها از قبل چاره‌اندیشی شود، ابتدا مفعول در زبان فارسی و پس از آن، همین مبحث در زبان آلمانی مورد بررسی قرار گرفته است. بخش پایانی به مشکلاتی می‌پردازد که زبان‌آموزان به هنگام یادگیری مفعول و انواع آن در زبان آلمانی با آن‌ها مواجه می‌شوند. این موارد از محتوای برگه‌های امتحانی درس «ساختار جمله» که در زمره‌ی درس‌های نیم‌سال دوم رشته‌ی مترجمی زبان آلمانی دانشگاه تهران است، استخراج شده‌اند.

### مفعول در زبان فارسی

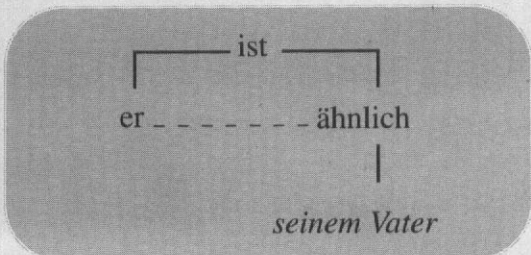
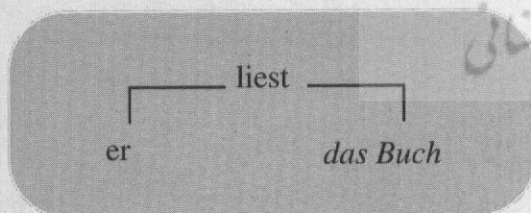
در زبان فارسی، تعاریف متعددی برای مفعول و انواع آن از سوی دستور نویسان و زبان‌شناسان ارائه شده است. برای مثال، طبق تعریف انوری، مفعول، اسم یا کلمه‌ای است که کار بر آن واقع می‌شود و معنی جمله را تمام می‌کند [انوری (ب)، ۱۳۷۹: ۱۱۶]؛ مانند «خانه» و «کتاب» در جمله‌های «رامین خانه را خرید» و «افشین کتاب می‌فروشد». این جمله‌ها بدون «خانه» و «کتاب» معنی کامل و رسایی ندارند. «خانه» و «کتاب» در دو جمله‌ی یاد شده دارای نقش مفعولی هستند. مقصود از نقش، وظیفه و عملی است که کلمه در جمله و در ارتباط با فعل و کلمه‌های دیگر دارد.

این‌که وجود مفعول در جمله ضروری است یا نه، موردی است که فعل جمله تعیین‌کننده‌ی آن است. به عبارت دیگر، وجود عضوی به نام مفعول در تمامی جمله‌ها ضروری نیست. از این دیدگاه، افعال به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: افعال لازم و افعال متعدی. برای مثال، در جمله‌ی «فریدون آمد»، فعل «آمد» معنی جمله را تمام می‌کند و شنونده برای دریافتن مطلب، محتاج کلمه‌ی دیگری نیست. این‌گونه افعال را «لازم یا ناگذر» می‌نامیم. اما در جمله‌ی «فریدون آورد»، فعل «آورد» برای تکمیل معنی کافی نیست. شنونده می‌پرسد: «چه آورد؟» پس باید کلمه‌ی دیگری را ذکر کرد تا معنی فعل «آوردن» تمام شود. مثلاً گفت: «فریدون کتاب آورد». کلمه‌ی «کتاب» در این جا مفعول است و معنی فعل «آورد» بدون آن کامل نیست. این دسته از افعال که برای تکمیل معنی آن‌ها باید کلمه‌ی دیگری ذکر شود، «متعدی یا گذرا» نامیده شده‌اند.

در ارتباطند و در اصل، بخشی از آن محسوب می‌شوند و معمولاً در کنار افعالی مانند sein که آن‌ها را با نام کلی sein-Verben یا Kopulaverben می‌شناسیم، حضور پیدا می‌کنند، باعث ظهور مفعول در جمله می‌شوند. نقش این صفات در جمله با عنوان Prädikativ شناسانده می‌شود [هلینگ، ۲۰۰۱: ۲۲۴]. برخی از دستور نویسندگان آلمانی، این مفعول را بسته به حالت دستوری و یا ظاهر شدن یک حرف اضافه در کنار آن، در همان گروه‌های چهارگانه‌ی مفعول طبقه‌بندی می‌کنند و آن را مفعول فعل جمله<sup>۲</sup> می‌دانند. ولی برخی دیگر آن را به سبب آن که نه به دستور فعل جمله، بلکه به دستور یک صفت<sup>۳</sup> در جمله ظاهر شده است، در شمار چهار گروه شناخته شده‌ی مفعول‌ها به حساب نمی‌آورند و از آن با عنوان Objekt zum Prädikativ نام می‌برند. چنین مفعول‌هایی نیز دقیقاً مانند همان مفعول‌های نوع اول می‌توانند در حالت دستوری Akkusativ، Genitiv، Dativ یا همراه با یک حرف اضافه ظاهر شوند. برای مثال، در جمله‌ی "Er ist seinem Vater ähnlich"، صفت ähnlich با فعل جمله در ارتباط است و همان‌طور که گفته شد، Prädikativ محسوب می‌شود و seinem Vater که به دستور ähnlich و نه فعل sein در جمله حضور پیدا کرده است، نه یک مفعول Dativ، بلکه یک Objekt zum Prädikativ به شمار می‌آید. مثال‌های زیر که همگی دارای مفعول‌هایی از نوع یاد شده هستند، به فهم بهتر مطلب کمک می‌کنند:

Diese Ware ist *ihr Geld* wert.  
 Ich bin *meinem Vater* dankbar.  
 Er ist *seines Freundes* würdig.  
 Der Junge ist wütend *über den Freund*.

شکل بالا در نمودار ۱، چگونگی وابستگی یا ارتباط Objekt zum Prädikativ و شکل پایین، چگونگی وابستگی Objekt zum Verb را نسبت به فعل نشان می‌دهد:



نمودار ۱

می‌شود. مفعول در زبان آلمانی دارای چهار نوع است: Akkusativobjekt, Dativobjekt, Genitivobjekt, Präpositionalobjekt

از آن‌جا که معادل یابی برای اسامی یاد شده نه تنها کمکی به فهم بهتر مطلب نمی‌کند، بلکه آن را پیچیده‌تر نیز می‌سازد، اسامی آلمانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در اغلب موارد، فعل جمله تعیین می‌کند که کدام یک از انواع مفعول باید در جمله ظاهر شود. این همان مبحثی است که در زبان آلمانی از آن با عنوان «حاکمیت»<sup>۱</sup> نام برده می‌شود. لازم به ذکر است، این مسئله که یک فعل، اصولاً به مفعول نیاز دارد یا خیر و در صورت نیاز به مفعول به کدام یک از انواع آن، از ظاهر فعل قابل تشخیص نیست. به ویژه، تمایز میان افعالی که به یک مفعول Akkusativ احتیاج دارند، با افعالی که به یک مفعول Dativ نیازمندند، به سختی امکان‌پذیر است. برای مثال می‌گوییم: "Er trifft ihn", اما: "Er begegnet ihm".

افعالی را که به یک مفعول Akkusativ احتیاج دارند، افعال transitiv می‌نامند و افعالی را که بدون مفعول نیز معنای آن‌ها کامل است و یا به انواع دیگر مفعول احتیاج دارند، intransitiv نامیده‌اند. اسامی در زبان آلمانی دارای حرف تعریف هستند. هنگامی که یک اسم از حالت فاعلی به حالت مفعولی (صرف نظر از نوع آن) تبدیل می‌شود، آنچه نشان‌دهنده‌ی این تغییر است، در اکثر موارد، حرف تعریف اسم موردنظر و یا ضمیری است که به جای حرف تعریف قرار گرفته است. بر این اساس، حالت دستوری اسم‌هایی که در جمله، مفعول Akkusativ، Dativ یا Genitiv واقع شده‌اند، به ترتیب اسم در جمله هستند. هم‌چنین، حالت دستوری اسمی که مفعول حرف اضافه‌ای است، یا Akkusativ است یا Dativ. آن‌چه در این خصوص گفته شد، در مثال‌های زیر به وضوح قابل مشاهده است:

Ich esse *den Apfel* (Akkusativobjekt)  
 Der Polizist hilft *dem Kind*. (Dativobjekt)  
 Er bedarf *meiner Hilfe*. (Genitivobjekt)  
 Die Kinder warten *auf den Schulbus*.  
 (Präpositionalobjekt)

حالت دستوری مفعول یا ضمیر جانشین آن، مستقیماً از سوی فعل جمله تعیین می‌شود. برای مثال، فعل geben (دادن) تعیین می‌کند که «گیرنده» باید در حالت دستوری Dativ و «داده‌شده» باید در حالت Akkusativ ظاهر شود:

Der Großvater gibt *dem Enkel* einen Euro.  
*dem Enkel* = Dativobjekt  
*einen Euro* = Akkusativobjekt

شایان ذکر است، علاوه بر افعال، صفات و حروف اضافه نیز در برخی موارد حالت اسمی را که به آن‌ها وابسته است، تعیین می‌کنند [درسدوسکی، ۱۹۸۴: ۳۲۱]. برای مثال، صفاتی که با فعل جمله

همراهی می شوند. یک مفعول در حالت *Akkusativ* یا *Dativ* پس از این حرف اضافه ظاهر می شود. حرف اضافه و مفعول، با هم یک مفعول حرف اضافه ای را می سازند:

*Wir hoffen auf bessere Zeiten.*

این که حرف اضافه ی خاص هر فعل کدام است و یا مفعولی که بعد از حرف اضافه قرار می گیرد، در کدام حالت دستوری (*Akkusativ* یا *Dativ*) ظاهر می شود، قاعده ی مشخصی ندارد (در چنین موقعیتی هرگز یک مفعول *Genitiv* نخواهیم داشت). از این رو، ترکیب خاص «فعل + حرف اضافه + حالت دستوری اسم (بعد از آن)» را باید با هم آموخت و تمرین کرد:

*sich fürchten vor + D; achten auf + A*

برخی از افعال، حتی به دو مفعول حرف اضافه ای احتیاج دارند:

*Er beschwert sich bei den Nachbarn über den Lärm.*

در چنین حالتی، مفعول حرف اضافه ای در حالت *Dativ* قبل از نوع *Akkusativ* آن قرار می گیرد. در بعضی موارد نیز، یکی دیگر از انواع مفعول ها جانشین یک مفعول حرف اضافه ای می شود:

*Er schreibt an seinen Vater einen Brief.*

→ *Er schreibt seinem Vater einen Brief.*

از جمله مباحثی که به هنگام بحث در مورد مفعول حرف اضافه ای، پرداختن به آن ضروری به نظر می رسد، وجود شباهت ظاهری میان این مفعول و اجزایی از جمله است که آن ها را با عنوان کلی *Adverbialbestimmung* می شناسیم؛ به طوری که گاه یک *Adverbialbestimmung* از لحاظ شکل ظاهری شبیه یکی از انواع چهارگانه ی مفعول است. این شباهت ظاهری نباید به اشتباه گرفتن این دو با هم منجر شود. برای مثال، *den ganzen Tag* در جمله ی *"Es hat den ganzen Tag geregnet"* اگر چه به ظاهر یک اسم در حالت دستور *Akkusativ* است، اما یک مفعول *Akkusativ* نیست و در واقع، نشانگر طول زمان عمل است. همین جزء در جمله ی *"Das hat mir den ganzen Tag verdorben"* مفعول *Akkusativ* است، به همین ترتیب، عبارت *auf dem Bahnhof* در جمله ی *"Er wartet auf dem Bahnhof"* از نظر شکل ظاهری با یک مفعول حرف اضافه ای تفاوتی ندارد، اما یک *Lokalbestimmung* است. در مقابل، عبارت *auf den Freund* در جمله ی *"Er wartet auf den Freund"* یک مفعول حرف اضافه ای است.

تشخیص این دو مورد از هم با توجه به موارد زیر، امکان پذیر است:

۱. مفعول ها را می توان با ضمائر شخصی جایگزین کرد:

*Er las den ganzen Roman.*

→ *Er las ihn.*

ولی به جای یک *Adverbialbestimmung* نمی توان یک ضمیر شخصی گذاشت. تنها می توان آن را با یک قید که دارای معنای مشابهی باشد، جایگزین کرد:

مفعول *Akkusativ* نسبت به سایر انواع دیگر، از عمومیت بیشتری برخوردار است و اغلب افعال زبان آلمانی با مفعولی از این نوع همراه هستند [دریر، ۱۹۹۹: ۷۰]. از تغییر حرف تعریف اسم از حالت فاعلی به حالت مفعولی *Akkusativ*، می توان مفعول *Akkusativ* جمله را شناسایی کرد. اما از آن جا که تغییر یاد شده تنها در حرف تعریف اسامی مفرد مذکر قابل مشاهده است، هر جا که نتوان از ظاهر یک اسم، پی به *Akkusativ* بودن آن برد، بهترین راه این است که یک اسم مذکر، جانشین آن گردد و یا از سؤالاتی با *was* و *wen* کمک گرفته شود. لازم به ذکر است، در کتاب های دستور زبان آلمانی، قواعد و دستورالعمل هایی وجود دارند که نه در تمامی موارد و حالات، بلکه به طور پراکنده اشاراتی در این زمینه دارند. برای مثال، اغلب افعالی که دارای پیشوندهای جدانشدنی هستند، به ویژه پیشوندهای *-be-*، *-ver-* و *-zer-*، با یک مفعول *Akkusativ* همراه هستند.

در مفعول *Dativ* نیز حرف تعریف، نمایانگر تغییر حالت دستور اسم، از حالت فاعلی به حالت *Dativ* است. تغییراتی که در حرف تعریف اسم روی می دهند، برخلاف حالت *Akkusativ* در اسامی مفرد، اعم از مذکر، مؤنث و خنثا، و هم چنین اسامی جمع به خوبی قابل مشاهده اند. با کمک کلمه ی پرسشی *wem* می توان مفعول *Dativ* را شناسایی کرد.

افعالی که با مفعول *Dativ* همراه هستند، اغلب یک ارتباط شخصی را بیان می کنند:

*Meine Schwester fehlt mir.*

*Du kannst ihm glauben.*

*Der Chef vertraut seiner Sekretärin.*

امروزه در زبان آلمانی، افعالی که به یک مفعول *Genitiv* احتیاج دارند، به ندرت به کار می روند و از لحاظ مرتبه ی زبانی، عموماً در شمار افعال فصیح محسوب می شوند. از این رو، در کتاب های آموزش زبان آلمانی به ندرت می توان اثری از آن ها یافت. در این موارد یک اسم در حالت *Genitiv* در نقش مفعول *Genitiv* ظاهر می شود. بروز تغییرات در حرف تعریف اسمی که در این نقش ظاهر شده است، در شناسایی آن به ما کمک می کند. استفاده از کلمه ی پرسشی *wessen* نیز می تواند مفید واقع شود. امروزه در زبان آلمانی، گرایش به سمت جایگزین کردن مفعول *Genitiv* با یک مفعول حرف اضافه ای است (سایت اینترنتی دستور زبان آلمانی):

*Er erinnert sich gern seiner Schulzeit.*

→ *Er erinnert sich gern an seine Schulzeit.*

اصولاً در مکالمات روزمره ی آلمانی، ترجیحاً از معادل های محاوره ای این افعال استفاده می شود:

*Er bedarf dringend eines Arztes.*

→ *Er braucht dringend einen Arzt.*

بسیاری از افعال زبان آلمانی، با یک حرف اضافه ی خاص

در جمله‌های زیر، نقش بخش‌هایی را که به صورت مایل نوشته شده‌اند، مشخص کنند:

1. Wir dachten *an die schönen Sommererfahrungen in Schwarzwald*.
2. Er bedarf *dringend meiner Hilfe*.
3. Das hat mir *den ganzen Tag* verdorben.

یافته‌های حاصل از بررسی پاسخ‌های ۲۵ نفر از دانشجویان در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱

جمله	پاسخ درست	تعداد	پاسخ نادرست	تعداد	پاسخ بهم	بدون پاسخ
۱	Präpositionalobjekt	۹	Akkusativobjekt	۵	۱۰	۱
۲	Genitivobjekt	۱۲	Dativobjekt	۷	۵	۱
۳	Akkusativobjekt	۷	Temporalbestimmung	۱۴	۳	۱

با نگاهی به جدول ۱ مشخص می‌شود، دانشجویان، انواع مفعول‌ها را با هم و یا با انواع دیگری از اعضای جمله اشتباه می‌گیرند. علل دشواری یادگیری هر یک از انواع چهارگانه‌ی مفعول برای فارسی‌زبانان در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۱. مفعول Akkusativ

اشتباهات مربوط به مفعول Akkusativ ناشی از این شبهه است که هر فعل «متعدی» در زبان فارسی، در زبان آلمانی *transitiv* است و هر فعلی هم که در زبان فارسی «لازم» است، در آلمانی *intransitiv* محسوب می‌شود. اما در واقع افعال لازم بسیاری را در زبان فارسی می‌توان یافت که معادل‌های آلمانی آن‌ها *transitiv* هستند و به یک مفعول Akkusativ احتیاج دارند. عکس این مورد نیز صادق است. برخی از افعال آلمانی که به انواع دیگر مفعول احتیاج دارند، در فارسی فعل متعدی محسوب می‌شوند و با مفعول صریح همراه هستند. جدول ۲ حاوی نمونه‌هایی از هر دو مورد است.

جدول ۲

ازدواج کردن	لازم	او با یک خارجی ازدواج می‌کند.	Sie heiratet <i>einen Ausländer</i> .	transitiv	heiraten + A
تعقیب کردن	متعدی	کارآگاه دزد را تعقیب می‌کند.	Der Detektiv folgt <i>dem Dieb</i> .	intransitiv	folgen + D
یاد کسی را گرامی داشتن	متعدی	مردم یاد قربانیان جنگ را گرامی داشتند.	Die Bevölkerung gedachten <i>der Kriegsoffer</i> .	intransitiv	gedenken + G

### ۲. مفعول Dativ

یک اسم در حالت Dativ را آن‌گاه می‌توان مفعول Dativ محسوب کرد که به حکم فعل جمله، در حالت دستوری Dativ ظاهر شده باشد:

*Die Regierung hilft den Geschädigten.*

بنابراین هر اسم در حالت Dativ، الزاماً یک مفعول Dativ

*Er las den ganzen Tag.*

→ *Er las damals/dann.*

۲. حرف اضافه‌ی موجود در مفعول‌های حرف اضافه‌ای معنی مشخصی ندارد، درحالی‌که حرف اضافه‌ی موجود در یک *Adverbialbestimmung*، از لحاظ معنایی در ارتباط با اسمی است که بعد از آن حرف اضافه قرار دارد.

۳. حرف اضافه‌ی موجود در مفعول‌های حرف اضافه‌ای وابسته به فعل است. به گونه‌ای که نمی‌توان آن را تغییر داد، حال آن‌که حرف اضافه‌ی موجود در یک *Adverbialbestimmung* می‌تواند به راحتی جای خود را به حرف اضافه‌ی دیگری بدهد:

*Er wartet auf den Freund.* (Präpositionalobjekt)



*Er wartet { vor neben hinter } auf dem Bahnhof.*

(Adverbialbestimmung)

نمودار ۲

### دشواری‌های زبان آموزان فارسی زبان در یادگیری مبحث مفعول آلمانی

از آن‌جا که «ظرفیت افعال» در فارسی و آلمانی الزاماً مشابه نیستند، نمی‌توان با استناد به نوع و وضعیت افعال زبان فارسی در مورد افعال زبان آلمانی تصمیم گرفت. به همین دلیل، باید با اشاره به موارد عدم تشابه، زبان آموزان را از همان ابتدا از مقایسه بازداشت. یکی از روش‌های یادگیری این مطلب که یک فعل به چه نوع اجزا یا مکمل‌هایی احتیاج دارد، تمرین این موارد در قالب جملاتی است که به عنوان الگو به زبان آموز کمک می‌کنند، جزئیات مربوط به هر فعل را بهتر به خاطر بسپارد. ناآگاهی از نحوه‌ی «حاکمیت فعل» بر اجزای جمله نیز، به بروز اشتباهاتی منجر می‌شود که جملات زیر (مستخرج از برگه‌های امتحانی دانشجویان) نمونه‌هایی از آن هستند:

\* *Er bezeichnet seinem Freund als Vorbild.*

\* *Ich habe von dem Lehrer gefragt.*

\* *Er liest ihm das Buch.*

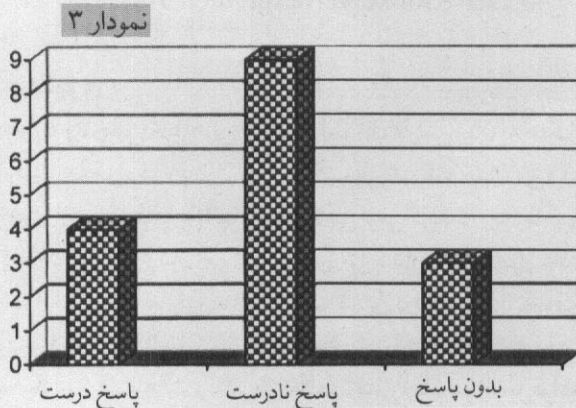
در بخش دیگری از همین آزمون، از دانشجویان خواسته شد که

Er ist der Lehrer *meines Freundes*.

Er besuchte uns *eines Abends*.

*Während des Essens* spricht man nicht.

همان گونه که ملاحظه می شود، هیچ کدام از سه اسمی که در جملات فوق در حالت Genitiv ظاهر شده اند، مفعول Genitiv نیستند. بررسی آماری کلیه ی پاسخ ها در نمودار ۳ منعکس شده است.



#### ۴. مفعول حرف اضافه ای

فراوانی تعداد افعالی که در زبان آلمانی با یک حرف اضافه ای خاص همراه هستند و این واقعیت که برای تعیین حرف اضافه ای که یک فعل را همراهی می کند، هیچ قاعده و قانون مشخصی وجود ندارد، از دلایل عمده ی دشواری این مبحث به شمار می روند. تصمیم گیری در مورد حالت دستوری اسمی که بعد از حروف اضافه ظاهر می گردد (Dativ یا Akkusativ)، به آسانی ممکن نیست:

denken an + A اما Teil nehmen an + D

گاهی یک فعل با بیش از یک حرف اضافه ظاهر می شود. در این حالت، ممکن است در معنا و یا کاربرد آن تغییر حاصل شود. برای مثال، چنان چه فعل *sich freuen* با حرف اضافه ای *auf* مورد استفاده قرار گیرد، از نظر زمانی به حال و آینده اشاره دارد و در صورتی که با حرف اضافه ای *über* به کار رود، به زمان گذشته باز می گردد:

*sich freuen auf + A: Die Kinder freuen sich auf Weihnachten.*

*sich freuen über + A: Er hat sich über meinen Besuch sehr gefreut.*

به همین ترتیب، فعل *leiden* با حرف اضافه ای *an* به معنی «مبتلا بودن (به بیماری)»، و با حرف اضافه ای *unter* به معنی «رنج بردن از چیزی» است:

*leiden an + D: Sie leidet an Krebs.*

*leiden unter + D: Sie leidet unter Schlaflosigkeit.*

شایان ذکر است، برخی از افعال که در زبان فارسی با مفعول صریح همراه هستند، در آلمانی توسط یک مفعول حرف اضافه ای

نیست، چنان که گاه یک اسم، به سبب تأثیر حرف اضافه ای که قبل از آن اسم قرار دارد، در حالت های Dativ ظاهر می شود. در این صورت، ترکیب «حرف اضافه + اسم»، یا یک مفعول حرف اضافه ای، و یا یک *Adverbialbestimmung* است. این امر، خود یکی از مشکلات یادگیری مفعول برای فارسی زبانان محسوب می شود، برای مثال، هنگامی که از دانشجویان خواسته شد، انواع مفعول در زبان آلمانی را نام ببرند و هر یک را در قالب جمله ای معرفی کنند، تعدادی از آن ها برای مفعول Dativ چنین جملاتی را نوشتند:

*Ich habe mit dem Mann geredet.*

*Er wohnt bei seiner Tante.*

*Mein Bruder arbeitet in einem Reisebüro.*

ترکیب «حرف اضافه + اسم» در جمله ی اول، یک مفعول حرف اضافه ای و در دو جمله ی بعدی یک *Lokalbestimmung* است و هیچ کدام یک مفعول Dativ نیستند. هم چنین، گاه یک اسم، بدون اثرپذیری از یک حرف اضافه و بدون آن که مفعول Dativ باشد، در حالت Dativ ظاهر می شود؛ مانند آن چه در جملات زیر مشاهده می کنیم:

*Meinem Vater schmerzt der Kopf.*

*Er sieht seiner Tochter in die Augen.*

*Der Pförtner öffnet der Frau die Tür.*

این گونه اسمی را که برخلاف مفعول Dativ، ارتباطی با فعل جمله ندارند و به «حکم» فعل، در جمله ظاهر نشده اند، با عنوان *Freier Dativ* می شناسیم.

#### ۳. مفعول Genitiv

دانشجویان در شناسایی و به کارگیری مفعول Genitiv نیز غالباً دچار مشکل هستند و در اکثر مواقع نمی توانند بین مفعول Genitiv و اسم هایی که به دلایل دیگری در حالت Genitiv ظاهر شده اند، تمایز قائل شوند. این امر از آن جا ناشی می شود که معمولاً زبان آموزان، برای نخستین بار، یک اسم در حالت دستوری Genitiv را در قالب یک *Genitivattribut* (حالت اضافی یا مضاف و مضاف الیه) مشاهده می کنند. پس از آن در مبحث حروف اضافه ای که همراه با Genitiv می آیند، با حروف اضافه ای مانند *trotz*، *wegen* و *während* آشنا می شوند. از آن جا که تناوب افعال با مفعول Genitiv در آلمانی پایین است، زبان آموزان معمولاً در مراحل اولیه ی آموزش با این افعال آشنا نمی شوند و به همین دلیل مدت ها طول می کشد تا با این قبیل افعال روبه رو شوند. از این رو پذیرفتن این امر که یک اسم با حالت دستوری Genitiv می تواند مفعول جمله واقع شود، برای آن ها ساده نیست. گاهی نیز یک *Temporalbestimmung* اسمی در حالت Genitiv است که این خود بر پیچیدگی مطلب می افزاید. برای مثال، طی آزمونی از دانشجویان خواسته شد، جمله ای بنویسند که در آن یک مفعول Genitiv وجود داشته باشد. جملات زیر نمونه هایی از پاسخ های دانشجویان هستند.